

در این مقاله، نخست تعریفی از مفاهیم همبستگی ملی و مشارکت عمومی ارائه می شود، سپس از ضرورت آن دو سخن به میان می آید، و آن گاه مؤلفه های سازنده (فرهنگ)، نشانه ها (انضباط اجتماعی) و برآیند (امنیت) همبستگی ملی مطرح می گردد، و نیز، از عناصر تشکیل دهنده (سیاست گذاری)، مصداق ها (انتخابات) و نتایج (سازندگی) آن دو سخن می گوئیم. در روند و فرایند این پاسخ یابی، تنها کلام مقام معظم رهبری مورد استفاده قرار می گیرد، چرا که طرح شعار همبستگی ملی و مشارکت عمومی از ابتکارات معظم له است، و نیز، از سال 1368 تا سال 1384 محدوده زمانی مورد بررسی را در بر می گیرد؛ سال 1368 سال آغاز رهبری آیت الله خامنه ای و سال 1384 سالی است که از سوی ایشان، سال همبستگی ملی و مشارکت عمومی نامیده شده است.

تعریف دو مفهوم

1. عبارت همبستگی ملی:

همبستگی ملی عبارت است از احساسات تعلق خاطر مشترک و احساس تعهد مشترک افراد به اجتماع یا آن مای بزرگی که به افراد هویت جمعی می دهد. در جامعه دو نوع هویت وجود دارد، نخست هویت فردی که نقش های مان از آن حاصل می شود، و من را از سایرین جدا می کند، و دوم، هویتی که باعث عضویت در ماهای مختلف و گروه های مختلف اعم از اولیه، ثانویه، رسمی و غیر رسمی می شود.

در تعریف دیگر، همبستگی ملی مترادف با وفاق اجتماعی دانسته شده و آن توافقی جمعی بر سر مجموعه ای از اصول و قواعد اجتماعی است که در میدان تعامل اجتماعی به وجود می آید، یا به عبارتی همبستگی ملی عبارت است از احساس تعلق خاطر مشترک و احساس تعهد مشترک افراد به اجتماع ملی. به علاوه، همبستگی ملی یک مفهوم کلی است که می تواند به همبستگی بین اجزاء حکومت، ملت و حاکمیت هم تأویل شود.

2. مشارکت عمومی:

مشارکت عمومی عبارت است از دخالت و درگیر شدن مردم در فراگردهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی که بر سرنوشت آنان اثر می گذارد. در تعریف دیگری مشارکت عمومی یا اجتماعی، یک درگیری ذهنی و عاطفی اشخاص در موقعیت های گروهی است که آنان را بر می انگیزد تا برای دستیابی به هدف های گروهی یاری دهند و در مسئولیت کار شریک شوند. در این تعریف سه اندیشه مهم نهفته است: درگیر شدن، یاری دادن و مسئولیت.

مشارکت عمومی با عبارت ساده تر، یعنی پذیرش آگاهانه شرکت فعال و مؤثر افراد یک جامعه برای رسیدن به هدفی خاص در قالب همکاری و همیاری. این همکاری از روی میل و با استفاده از همه امکانات بالقوه و بالفعل صورت می گیرد. با توجه به تعاریف همبستگی ملی و مشارکت عمومی، مشارکت عمومی نشان دهنده همبستگی ملی، و همبستگی ملی نشان دهنده مشارکت عمومی است.

همبستگی ملی

الف - ضرورت همبستگی ملی

در خصوص ایران، با توجه به صدمات جنگ تحمیلی، فشارها و محدودیت های حاصل از تحریم های اقتصادی و لزوم ترمیم خسارت ها و رهایی از توسعه نیافتگی، یکدلی و همبستگی ایرانیان مسلمان ضرورتی تام و تمام دارد. به دیگر سخن، توسعه همه جانبه ایران در عرصه داخلی و قدرتمندی آن در عرصه بین المللی به یکپارچگی همه اقوام، گروه ها و شهروندان نیازمند است، و هر نوع تلاش و اقدام که دانسته و ندانسته به گسست قومی، نژادی و مذهبی بینجامد، ضربه بر همبستگی ملی و متعاقب آن به توسعه ملی خواهد بود. در واقع همبستگی رمز پایداری و راز پویایی است، پس بر ماست که با ژرف اندیشی و دورنگری، عمق مخاطرات را دریافته و با احترام به آموزه های دینی و قانون اساسی، رمز ماندگاری و بالندگی خویش را برای همیشه پاس بداریم. نیل به این مقصود، شناخت مؤلفه های سازنده همبستگی ملی را ضروری می سازد:

ب - مؤلفه های سازنده

به عناصر زیادی به عنوان مؤلفه های سازنده همبستگی ملی می توان اشاره کرد، از جمله:

1- معنویت: برآستی چرا مردم در اطراف امام جمع شدند، و او را یاری کردند، و با مساعدت هم، انقلابی عظیم را پدید آوردند؟ در پاسخ به این سؤال، باید به مؤلفه های متعددی چون دوراندیشی، آینده نگری، تیزی، متانت، حلم، حکمت و ... اشاره کرد که هر کدام از این صفات، کافی بود که شخصی را در مرتبه ای والا قرار دهد و احترام همگان را جلب کند، ولی همه این صفات، در وجود این انسان الهی جمع آمده بود.

در عین حال اگر امام (ره) آن عوامل اصلی معنویت، ارتباط با خدا، کار برای رضای او، تقوا و انجام تکلیف را نمی داشت، نه انقلاب به پیروزی می رسید، نه شما مردم این گونه عاشقش می شدید، نه می توانست این طوفان را در دنیا به وجود آورد، و نه قادر بود در مقابل تهدید و ارباب دشمن، مثل کوه بایستد.

بنابراین، خشم مردم ایران، زمانی که دکان ها را بستند، زندگی را تعطیل کردند، و همه وارد میدان مبارزه شدند، تنها به دلیل مسأله دین، معنویت و خدا بود.

فوران معنویت اسلامی و یاد و ذکر خدا روحیه انقلابی مردم و معنویت امام خمینی(ره) اختلافات را کنار زد، گرد، ترک، عرب، فارس، شیعه، سنی و همه را در صفوف به هم فشرده، در مقابل دیکتاتور زمان قرار داد و پس از انقلاب نیز تلاش دشمن برای شعله ور کردن اختلافات قومی و فرقه ای، همواره و در همه مقاطع زمانی پس از انقلاب، بی ثمر ماند. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هم به دلیل خدا، دین و معنویت شکل گرفت، و بی شک انسجام و قوامش به حیات و بقای معنویت در همه ابعاد سازمانی آن بستگی دارد. آن گونه که معنویت به همبستگی درونی سپاه کمک کرد، در قوام یافتگی و تداوم یابی همبستگی ملی مؤثر است. این معنویت بیش از هر چیز و هر کس دیگر، باید از طریق فرماندهان و روحانیان متخلق به اخلاق اسلامی تأمین و تزریق شود. البته فقط بهره مندی از اخلاق اسلامی برای اثربخشی بر بدنه سپاه کافی نیست، بلکه همکاری آن دو با هم نیز یک ضرورت اجتناب ناپذیر است.

2- ارزش ها: ارزش ها چه ارزش های دینی و چه ارزش های ملی، قدرت اجتماعی را می سازد و آن را تقویت می کند که مثال های آن را می توان در یک صد سال گذشته تاریخ ایران دید. در این دوره، مردم مسلمان ایران برای مقابله با بی دادگری های قدرت سیاسی حاکم، انگیزه و ابزاری به غیر از ارزش های اجتماعی (دینی + ملی) نداشته اند. انقلاب اسلامی هم که حرکتی هدف دار، سنجیده، پیوسته، خستگی ناپذیر و سرشار از ایمان و اخلاص بود با زنده کردن و سپس با به خدمت گرفتن ارزش های مردمی به پیروزی رسید و هدف خود را همان هدف حرکت اسلامی صدر اسلام قرار داد. آن هدف، اراده قاطع بر حاکمیت بخشیدن به دین و ارزش های دینی بود.

ارزش های دینی، علاوه بر جهت مذهبی دادن به یک حرکت اجتماعی، وحدت مردمی را نیز که در فرایند جنبش و انقلاب قرار می گیرند پدید می آورد. این درس بزرگی بود که امام عزیز به ما داد و آن را می توان به این صورت هم بیان کرد: وحدت و انسجامی که به اراده الهی برای مردم ایران پیش آمد. این وحدت چه در پیروزی و چه در پس از پیروزی انقلاب اسلامی، دل های مردم را بر پایه ارزش های دینی به هم نزدیک ساخت و قدرت مردم را افزایش داد. در واقع آن چیزی که ابر قدرت ها را در مقابل ملت ایران مرعوب کرد، وحدت کلمه برآمده از ارزش های دینی بود. به بیان دیگر، ملتی که معتقد به ارزش های دینی نباشند، وحدت نمی یابند و در نتیجه، دشمن را نمی هراسانند.

ارزش های دینی هم به انقلاب جهت می دهد و هم مردم را در حمایت از آن بسیج می کند. به علاوه پس از پیروزی انقلاب، ارزش های دینی قوی ترین و محکم ترین ملاک و معیار برای اداره و هدایت آن به شمار می رود، و نیز، همان گونه که همه راز تداوم معارف انبیاء کلمه توحید و ارزش های دینی بود، همه راز تداوم انقلاب اسلامی، احیا، حفظ و اجرای ارزش های مذهبی است.

3- فرهنگ: فرهنگ ملی، امروزه همان فرهنگ اسلامی است، زیرا ایرانیان از 1400 سال قبل، آداب، عادات، زبان، لباس و همه چیزشان با اسلام عجین شده، تا حدی که شاید هیچ ملتی نباشد که این گونه با اسلام آمیخته شده باشد، لذا می توان گفت که فرهنگ اسلامی، جزو فرهنگ ملی ایرانیان است. کلمه ملی در این جا، در مقابل کلمه اسلامی نیست، بلکه عین همان اسلامی است. این فرهنگ، مؤلفه مهمی در همبسته شدن مردم در مقابل دشمن خواهد بود، مشروط به این که اولاً، مغلوب تهاجم فرهنگی نشود و ثانیاً، به تعامل فرهنگی با سایر ملل ادامه دهد تا عناصر فرهنگی قوی آنان را بشناسد و آن ها را وارد فرهنگ خویش نماید.

تهاجم فرهنگی یعنی مجموعه ای که برای اسیر کردن یک ملت، به بنیان های فرهنگی آن کشور، هجوم می برند. در تبادل فرهنگی، هدف بارور کردن فرهنگ ملی و کامل کردن آن است، لذا ملتی که به تبادل فرهنگی روی می آورد، چیزهای مطبوع و دلنشین، خوب و مورد علاقه اش را بر می گیرند.

فرض کنید ملت ایران می رود به اروپا، می بیند که این ها یک ملتی هستند اهل سخت کوشی و روح خطر کردن. اگر این را از آن ها یاد بگیرد، خیلی خوب است. می رود به شرق آسیا. می بیند که این ها مردمی هستند دارای وجدان کار، علاقه مند به کار، مشتاق کار. اگر این ها را از آن ها یاد بگیرد، خیلی خوب است. می رود به فلان کشور. می بیند این ها ملتی هستند وقت شناس، دارای نظم و انضباط، دارای محبت، حس ادب، حس احترام، اگر یاد بگیرد این ها را، چیزهای خوبی است.

فرهنگ ایرانی نشان داده که از دو ویژگی فوق بهره مند است، چون تاکنون مغلوب فرهنگ دیگر نشده و نیز، در تعامل با فرهنگ های دیگر، عناصری را برگزیده که از وی ملتی سرافراز در مقابل مستکبران جهانی ساخته است.

4- معرفت: همان گونه که دوری از معرفت، عامل اختلاف است، بهره مندی از آن، به انسجام و همبستگی می انجامد، از این رو، استعمار با ایجاد توهّم اختلاف بین شیعه و سنی - که در حقیقت اختلاف نیست، زیرا آن دو در اصول اصلی مشترک اند، یعنی هر دو مذهب، به خدای واحد، قبله واحد، پیامبر واحد، قرآن واحد، احکام و ارکان واحد اسلامی معتقدند - آتشی را برافروخت که در محافل پایین تر و در بین اقشار پایین مردم شدیدتر است، چون در میان مردم، معرفت و توجه کمتری نسبت به حقایق دینی وجود دارد.

البته در همه حال، دستیابی به معرفت کامل از دین، امکان پذیر نیست، ولی معرفت نسبی و نه معرفت کم، هم می تواند مایه وحدت و یکپارچگی و همبستگی را فراهم آورد. مثلاً:

ابعاد شخصیت نبی اکرم را هیچ انسانی قادر نیست به نحو کامل بیان کند، و تصویر نزدیک به واقعی از شخصیت آن بزرگوار ارائه نماید. آنچه ما از برگزیده پروردگار عالم و سرور پیامبران سراسر تاریخ شناخته و دانسته ایم، سایه و شبیحی از وجود معنوی و باطنی و حقیقی آن بزرگوار است، اما همین مقدار معرفت هم برای مسلمانان کافی است تا اولاً، حرکت آن ها را به سمت کمال تضمین کند و قله انسانیت و اوج تکامل بشری را در مقابل چشم آنان قرار بدهد و ثانیاً، آنها را به

وحدت اسلامی و تجمع حول آن محور تشویق کند.

یکی از جنبه های اثربخشی معرفت در همبستگی را باید در تعامل بین ارتش و انقلاب در سال 1357 دید. علت از هم گسیختگی بدنه ارتش از نظام پهلوی و همبستگی آن با مردم، آن بود که نظامیان از رنج ها و مصیبت هایی که مردم می کشیدند، آگاه بودند.

ج - مصداق ها و نشانه ها

در صورت همبستگی ملی، نشانه ها و مصداق های فراوانی از آن در صحنه اجتماعی به چشم می آید، برخی از آن ها عبارتند از:

1- اجتماعات مردمی: اجتماعات گوناگون مردمی، نشانه دیگری از همبستگی ملی است. در این گونه اجتماعات، فضای وسیعی به وجود می آید که همه مردم را حول یک یا چند محور جمع می کند. این اجتماع از عظمت و قدرت آنان سخن می گوید، و نشان می دهد که احاد یک ملت، علی رغم انتقاداتی که به دولت و نظام دارند، همچنان به نظام اسلامی و به مدیریت کشور علاقه مند باقی می مانند، چون می بینند که نظام در صدد پیاده کردن اسلام است و به علاوه، در حل مشکلات آنان فعال و کوشاست. مقابله مردم با منافقین، تشکیل نهاد انقلابی بسیج و گسترش آن تا ادارات و کارخانجات و مدارس و دانشگاهها، شرکت در تظاهرات به مناسبت های مختلف، شکل های متنوعی از اجتماعات مردم در طول انقلاب و بعد از آن بوده است. ویژگی برتر اجتماعات مردمی آن است که همه قشرها در کنار هم قرار می گیرند، با یک هدف حرکت می کنند، و یک شعار را سر می دهند، لذا اجتماع خود را تبدیل به جلوه زیبای وحدت و همدلی می نمایند.

اجتماعات عظیم مردمی، مکانی است برای طرح شعارهای مشترک و آرزوهای عمومی. مردم در این اجتماعات، درصدد نهادینه کردن خواسته های خود در سطح داخلی و خارجی اند، و می خواهند بدون واسطه و با شفافیت، آرمان ها خود را عرضه کنند.

2- انضباط اجتماعی: انضباط اجتماعی نشان می دهد که عوامل مخل همبستگی ملی و جمعی در پایین ترین حد است. مفهوم انضباط اجتماعی یعنی انضباط در امور. از وصیت امیر المؤمنین علی(ع) به امام حسن مجتبی(ع) نیز بر می آید که مراد و قصد امام، نظم در همه کارها است. به نظر می رسد: نظم امرکم عبارت است از اقامه نظام و حکومت و ولایت اسلامی. معنای این عبارت آن است که باید مطابق با نظم و انضباط نظام ولایی رفتار کنید، بلبشو نباشید. طبیعی خواهد بود اگر اختلاف در بین مردم نباشد، اگر اختلاف بین دولت و ملت نباشد، نظم و انضباط جمعی تحقق می یابد، و اگر می بینم در دوره حکومت امام معصومان(ع) نظم اجتماعی پا نگرفت، نظام حکومت به هم ریخت، و بدبختی های بزرگی گریبان امت اسلامی را گرفت، به آن دلیل بود که مخالفان حضرت امیر(ع) انضباط عمومی را مختل کردند.

معنای دیگر انضباط اجتماعی، حضور آرامش روانی و فکری در عین هوشیاری و حساسی در جامعه است. در میان انضباط های عمومی، انضباط انقلابی برترین و قوی ترین انضباط هاست. انقلاب بدون نظم نه شکل می گیرد و نه دوام می آورد.

بالندگی نیروی انقلابی، بدون نظم ممکن نیست و بهترین کارها را کسانی کرده اند که با روحیه انقلابی آمده اند و انقلابی باقی مانده اند.

انضباط علمی [نیز] بخشی از انضباط اجتماعی و مکمل آن است. زمانی می توان دریافت که انضباط علمی وجود دارد که علم، علم تولید کند، خودش را ارتقاء دهد، و به تولید ثروت و قدرت منتهی شود، و این ثروت و قدرت نیز به تولید بیشتر علم بینجامد.

3- همبستگی ارکان نظام: همبستگی قوای سه گانه قضائیه، مقننه و مجریه یا ارکان نظام و همراهی آنان با مردم، نشان از اوج همبستگی دولت و ملت خواهد بود.

البته ارکان نظام تنها به سه قوه مقننه، مجریه و قضائیه محدود نمی شود. مجمع تشخیص مصلحت نظام هم یک رکن نظام است. مجلس خبرگان رهبری از تعیین کننده ترین و مهم ترین ارکان نظام است. در حقیقت، هیچ کدام از ارکان نظام جمهوری اسلامی چه آنچه به تقنین و چه آنچه به اجرا و غیر آن ارتباط پیدا می کند، از لحاظ تعیین کننده بودن و باقی گذاشتن آثار ماندگار به اهمیت اجتماع خبرگان نیست. این معنا موجب می شود که مسئولیت این جمع و آحاد تشکیل دهنده آن، عظمت پیدا کند. این مسئولیت عظیم، اولاً به حفظ انسجام درونی است و ثانیاً به همگامی با آحاد ملت. همبستگی بین رکن های نظام به آن است که روابط درونی هر قوه مستحکم باشد. در این صورت، رخنه های گوناگونی که به یک نظام لطمه می زند، بسته می شود و هیچ قدرتی نمی تواند به نظام لطمه ای وارد کند و البته همبستگی نظام تنها به اقدام های استحکام بخش سه قوه نیست، بلکه یکایک ملت ایران وظیفه دارند تا آن جای که می توانند استحکام درونی نظام را بسته به همبستگی ملت، همبستگی دل ها، همبستگی ملت با مسئولان نظام و وحدت کلمه در مجموعه ارکان است، حفظ کنند.

4- روابط حسنه: ملتی که از روابط حسنه فیمابین برخوردار و در روابط آن ملت، دوستی و محبت جای دشمنی و عدوات را گرفته باشد، همبستگی ملی خود را به رخ دیگران می کشد.

روابط حسنه به عنوان جلوه ای از همبستگی ملی، همکاری و همیاری عمومی را به حدی و به درجه ای می رساند که می توان از آن از یک سو برای حل مشکلات اجتماعی و از سوی دیگر برای غلبه بر دشمن یا دشمنان کمک گرفت. روابط خوب مستحکم اجتماعی در سال های پیروزی انقلاب اسلامی باعث شد که آمریکا ضربه بخورد و تا به امروز نتواند آن را جبران کند.

ارتباط حسنه مصداقی برای همبستگی، و دیدوبازدیدهای عید نوروز، مصداقی بر روابط خوب اجتماعی است، زیرا ملت ایران:

نوروز را بهانه ای برای دیدوبازدید و رفع کدورت ها و کینه ها و محبت به یکدیگر قرار می دهند. این همان برادری و عطوفت اسلامی و همان صله رحم اسلام است.

5- حج ابراهیمی: حج بیش از آن که نشانه روشنی برای همبستگی اسلامی باشد، نشانه ای بر انسجام ملی است. حج مصداق برجسته همبستگی است. این همبستگی نخست در سطح کشورها و ملت ها شکل می گیرد و آن گاه همبستگی اسلامی را در ایام و موسم حج به نمایش می گذارد. ابهت و عظمت همبستگی مردم در حج می تواند دشمن را به عقب نشینی وادارد و یا او را از اجرای نقشه هایش در ایران و دیگر ممالک اسلامی باز دارد.

به هر روی، حج کمک می کند تا مردم بتوانند به معنای واقعی در کنار هم جمع شوند و عظمت خود را نشان دهند، و لذا اگر حج آن طوری که طبیعت این واجب اقتضاء می کند، به ثمر بنشیند، بسیاری از مشکلات ملی و دینی را حل خواهد کرد.

حج از یک طرف مظهر معنویت، ارتباط با خدا، آشنا شدن دل با آیات الهی و نزدیک شدن هرچه بیشتر انسان به خدا، و از طرف دیگر، مظهر وحدت، یکپارچگی و برداشتن دیوارها، حجاب ها و پرکردن دره ها و شکاف هایی است که یا به دست دشمن یا به وسیله تعصبات و اوهام به وجود آمده، پس حج هم ثمره همبستگی است و هم عامل همبستگی. به این دلیل است که می توان گفت: جنبه اجتماعی حج، مهم تر از جنبه فردی آن است، چون اجرای مراسم حج در یک سال، کافی است تا صد هزار حاجی را متحول کند، دل های شان را به هم نزدیک کند.

د - آثار همبستگی ملی

همبستگی ملی به تنهایی قادر است امنیت، پیشرفت و استقلال را پدید آورد و یا در جهت پایدار شدن آن مؤثر افتد. توضیح برخی از این نتایج، مؤیدی بر ادعای فوق است:

1- تداوم راه امام: پس از گذشت سال ها از وفات حضرت امام خمینی (ره)، هنوز مردم به رهنمودهای معظم له هم در بعد یکپارچگی و همبستگی ملی و هم در بعد تداوم راه آن امام راحل، پایبند باقی مانده اند، و همچنان به راهپیمایی 22 بهمن می آیند، در راهپیمایی قدس شرکت می کنند و در پای صندوق های انتخابات حاضر می شوند و همه این ها نشان از تأسی مردم به راه و کلام امام خمینی (ره) است. همین ها نشانه اقتدار ملت ایران و عزم جوانان این ملت بر ادامه راه امام بزرگوار و پیگیری هدف ها و آرمان های انقلاب اسلامی و نظام دینی است. دشمن سعی می کند این اقتدار را در هم بشکند و با شکسته شدن اقتدار ملت، راه امام را به ورطه فراموشی بسپارد.

2- استقلال: شکی نیست که خدای متعال به میزان عمل ملت ها به آن ها پاداش و جزا می دهد، استقلال، پاداش ملت

هایی است که با هم در اتفاق و اتحاد به سر می برند. فرقی نمی کند که این ملت، ملت باتقواست یا بی تقوا. یعنی این که اگر ملتی عمل صالح انجام دهد، و عمل صالح را با ایمان و تقوا همراه کند، زندگی، دنیا، عزت و استقلال او تأمین خواهد شد. اگر ملتی با ایمان نبود، باز هم خدای متعال پاداش آن را خواهد داد. در واقع، همه کسانی که برای دنیا کار می کنند و همه افرادی که برای آخرت تلاش می کنند، خدای متعال به همه جزا خواهد داد. این که می بینیم بعضی از ملت هایی که دین و تقوا ندارند، اما از زندگی مادی و علی الظاهر مطلوبی برخوردارند، به خاطر آن است که کار دنیا را خوب انجام می دهند، منتهی این گونه زندگی ها عاقبت خوشی ندارد و با فساد همراه می شود.

در شرایطی که دنیا به ستم گر و ستم پذیر تقسیم شده است، تنها یک ملت اعلام کرده که از نفوذ همه قدرت ها و گردن کلفت های دنیا آزاد است و آن ملت، ایران است. این مبالغه نیست، بلکه یک حقیقت است. در واقع، هیچ کدام از قدرت های بزرگی که امروز به نحوی بر دنیا اعمال نفوذ می کنند، قادر به اعمال نفوذ بر نظام جمهوری اسلامی و ملت ایران نیستند، این به خاطر آزادی مردم و انسجام ملی است. البته هنوز استقلال در همه زمینه ها، از جمله اقتصاد به صورت کامل تحقق نیافته است، لذا ملت باید به تدریج و با ابتکار و تلاش خود و با قدرت مدیریتی و نیز با وحدتی که دارند، به طرف استقلال اقتصادی بروند که مقدمه استقلال سیاسی است.

حضور و یکپارچگی مردم، زنده کننده فضای زندگی در یک کشور مستقل است. وقتی مردم با هم در سیاست دخالت نکنند، اظهار نظر و دلسوزی نمایند، استقلال کشور به وجود نمی آید و یا حفظ نمی شود. اگر همه امور کشور، به همه مردم در شهرهای دور دست و روستاهای دور افتاده و عشایر چادر نشین مربوط نباشد، استقلال اقتصادی، سیاسی و غیره مفهوم خود را از دست می دهد. البته حضور در صحنه بین المللی و مبارزه با استکبار جهانی که حاصل آن استقلال است، به وسیله مردم و علم و آگاهی آنان انجام گیرد.

3- پیروزی: همه موفقیت های دوران مبارزات و پس از پیروزی انقلاب اسلامی مرهون هوشیاری و صبر انقلابی و حضور دائمی قشرهای مردم در صحنه است. در حقیقت، یکپارچگی در فداکاری، ایمان و مجاهدت مردم، رهبر کبیر انقلاب اسلامی را موفق کرد تا انقلاب اسلامی را به پیروزی برساند. پس از آن، صبر و همدلی و همکاری مردم بود که مسئولان کشور را به ارائه خدمات شایسته به مردم توانمند کرد. از این رو، استکبار جهانی از لحظه پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون، هرگز سودای تضعیف و محو جمهوری اسلامی را از سر خود بیرون نکرده و از هیچ اقدامی در این راه خودداری نورزیده است و تا آن گاه که ملت و مسئولان جمهوری اسلامی پایبند به همبستگی عمومی، استقلال ملی و اصول اسلامی باشند، این انگیزه را در خود نگاه خواهد داشت، ولی به فضل و مدد الهی در برابر عزم، اراده، آمادگی و همبستگی ملت کاری از او ساخته نبوده و کید و مکر او به جایی نرسیده است و به خواست خداوند همواره نیز همین گونه خواهد بود. از همین رو تقسیم شدن ملت به گروه ها و دسته های متعارض و عمده کردن اختلافات کم اهمیت و احساسات غیرمنطقی و به فراموشی سپردن اصول مهمی که میان همه ملت ما و لاقل میان اکثریت عظیمی از آنان مشترک است و به فراموشی

سپردن حضور دشمن و خطرات جبران ناپذیر ناشی از آن، بزرگ ترین فاجعه برای ملتی است که می خواهد حق تضييع شده خود را احيا کند و خود را از وابستگی به بیگانگان برهاند.

امام، پابرهنگان را مهم ترین عنصر در پیروزی های ملت ایران می دانست و لذا از همان اول انقلاب اسلامی دستور تأسیس جهاد سازندگی، کمیته امداد، بنیاد مستضعفان، بنیاد پانزده خرداد و بنیاد مسکن را صادر کرد و عدالت اجتماعی را جزو شعارهای اصلی انقلاب اسلامی قرار داد. امام در پی آن بود که دولت باید به اقتصاد، نان و رفاه مردم بپردازد، و مردم از نظر او و در درجه اول عبارت بود از طبقات محروم و مستضعف، زیرا آن ها بیش از هر قشر دیگر با همراه و همبسته شدن با حرکت انقلاب اسلامی ایران، آن را در جوی از ناباوری ها به پیروزی رساندند. مردمی که تا دیروز و در نظام پهلوی، از امتیاز برخوردار نبوده ولی اینک نظام اسلامی ایران، برنامه ها و نقشه های غلط رژیم که هیچ حقی برای روستائینان و شهروندان شهرهای دور و طبقات محروم و مستضعف قائل نبودند، را تغییر داد و بیشترین اهتمام را روی این چیزها گذاشت.

قشرهای محروم که اغلب بیشترین تعداد شهروندان هر کشوری و از جمله ایران را در بر می گیرند، در صورتی که تلاش کنند، محال است خدای متعال آن ها را یاری نکند و با توجه به انسجام آن ها در بدن ها و جان، آنان را به پیروزی نرساند. اگر در طول تاریخ، جاهایی چون کربلا، حق دچار تجربه های خونین شده، به خاطر آن بوده که اهل حق تنها ماندند، مردم با آن همراهی و همکاری نکردند، و کسانی که توقع از آنها نمی رفت، صاحب دعوت را تنها گذاشتند، اما در پیروزی انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی، مردم با مسئولان همکاری کردند، و لذا اهل حق تنها نماندند و دعوت حق بی یاور نماند.

4- پیشرفت: ارتباط بین پیشرفت ملی و وحدت عمومی تردیدناپذیر است، همان گونه که بعضی از بزرگان فرموده اند: برای سعادت و پیشرفت امت اسلامی، کلمه توحید و توحید کلمه دو اصل قطعی است. علت این که ملت ایران قدم در جاده رستگاری و پیشرفت گذاشت، وحدت کلمه بود و باید برای تکمیل پروژه پیشرفت کشور، این رمز را تا به آخر حفظ کند.

همبستگی ملی زمانی به پیشرفت عمومی کشور می انجامد که در مقوله های اصلی فرهنگی چون ارزش دانستن کار، سرمایه گذاری، درس خواندن، ایثار، مجاهدت، ترجیح مصالح عمومی بر منافع فردی، وحدت، حضور در صحنه های سیاسی و ... بین احاد ملت و در میان دولت مردان و سرانجام بین ملت و دولت هماهنگی وجود داشته باشد. اگر ملتی وحدت و همبستگی خود را از دست بدهد، اگر نشاط کار و ابتکار را از دست بدهد، اگر حرکت علمی روبه پیشرفت خود را از دست بدهد، کاملاً در دسترس دشمنان قرار خواهد گرفت، می توانند راحت به او زور بگویند، می توانند بر او سلطه پیدا کنند، می توانند منابع طبیعی و مادی او را هم غارت کنند.

یکی از مهم ترین موانع پیشرفت این است که مسئولان، نخبگان و قشرهایی که می توانند روی ذهن های دیگران اثر بگذارند، در شناخت مردم اشتباه کنند و خواسته های مردم را درست نفهمند یا خواسته های مردم را به نقاط کم ارزش و بی ارتباط با زندگی واقعی مردم ربط دهند. پس اگر آنان مشکل اصلی مردم را بیکاری، گرانی و مشکل معیشتی بدانند، اشتباه کرده اند، چون مشکل مردم پیشرفت است، در حالی که سزاوار آن نیستند به آن دلیل که مردم با همبستگی همه جانبه زایدالوصفی همواره، هم متحد بوده اند و هم یکپارچه از نظام دفاع کرده اند، و لذا توسعه نیافتن شایسته چنین مردمی نیست. خلاصه کلام آن که یکی از لوازم پیشرفت، همبستگی مردم است. اگر در این حالت، باز مردم و جامعه پیشرفت کامل نمی کنند، باید مشکل را در نخبگان جستجو کرد نه در مردم.

5- امنیت: شعار سال 1379، وحدت عمومی و امنیت ملی بود. یکی از نکات آموزنده این شعار آن است که نشان می دهد: وحدت و همبستگی عمومی و امنیت ملی به یکدیگر وابسته اند، تا حدی که سود و زیان یکی سود و زیان دیگری است. از این رو، دشمن نخست می کوشد صفوف متحد و همبسته مردم را به هم بریزد و امنیت ملی را به خطر اندازد. واقعیت آن است که دشمن نیز آن وقتی می تواند به هدف های خودش برسد که بتواند در بدنه حاکمیت نظام و مسئولان بخش های مختلف، اختلاف و شکاف ایجاد کند، لذا تنها راه ناکام کردن دشمن، حفظ هوشیاری است. البته بیداری عمومی هم باید در سطح مردم و هم در سطح کارگزاران اتفاق بیفتد.

اگر وحدت ملی و امنیت ملی تأمین شود، دولت هم مجال پیدا می کند که کارهای خود، مسئولیت های خود، وظایف بزرگ خود، برنامه های سازنده خود را اجرا کند، می تواند به اقتصاد مردم برسد، به اشتغال مردم برسد، به مسائل زندگی مردم رسیدگی کند، به مسأله فرهنگ کشور رسیدگی کند. اگر امنیت و یا وحدت نباشد، اختلافات و جنجال باشد، دائماً تشنج سیاسی باشد، اول کسی که ضربه می خورد، دولت است، چون نمی تواند وظایف خود را انجام بدهد. وقتی دولت وظایف خود را انجام نداد، وضع مردم، وضع طبقات مستضعف، وضع جوانان، وضع کسانی که تشنه اقدامات دستگاه های مسئول هستند، معلوم است که چگونه خواهد شد.

ملتی که متحد است، قوی، عزیز و سربلند خواهد بود، زیرا امنیت چنین ملتی ملعبه این و یا آن کشور قدرتمند قرار نمی گیرد. بارزترین مثال روشن برای تبیین و توصیف بین همبستگی مردم و امنیت جامعه، وضعیت بین ایران و آمریکا است. یعنی این که آمریکا به ما می گوید: ضعیف، دست نشانده و وابسته باشید تا به ایران حمله نکنم، در حالی که ما قوی، عزیز و سربلند بوده و هستیم و تاریخ و فرهنگ ملت ایران تسلیم در مقابل هیچ دشمنی را نمی پذیرد و همواره کوشیده است با ابزار وحدت و همبستگی ملی از تمامیت ارضی کشور دفاع و پشتیبانی نماید.

مشارکت عمومی

حضور اجتماعی مردم از یک سو نیازمند عواملی است که آن را می سازد، از سوی دیگر، زمانی که مشارکت عمومی پدید آید، نشانه ها و نتایجی را عرضه می کند، اما مشارکت عمومی چه ضرورتی دارد؟

الف - ضرورت مشارکت عمومی

علاوه بر میل فطری بشر که بنا به خاصیت مدنی الطبع بودن، گرایش به تأمین نیازها را از طریق زندگی دسته جمعی و همکاری برمی انگیزد، عوامل دیگری در عصر کنونی، جوامع و آحاد انسانی را به طرف مشارکت عمومی و اجتماعی سوق می دهند. عمده این عوامل عبارتند از: توزیع سریع و همگانی اطلاعات، جهانی شدن و تلاش برای کم رنگ کردن مرزهای فیزیکی، اهمیت یافتن جایگاه انسان و حقوق بشر، لزوم هماهنگی با تغییرات محیط پر تحول و پر شتاب ملی و جهانی، ضرورت دفاع از تمامیت ارضی کشور، نیل به سازندگی و توسعه همه جانبه، دستیابی به رفاه عمومی و اجتناب ناپذیری مبارزه با دشمن و دشمن های کوچک و بزرگ داخلی و خارجی.

ب - عناصر تشکیل دهنده

آموزش دادن، فریضه داشتن، سیاست گذاری، برخورداری از شعور اجتماعی و هوشیاری سیاسی بخشی از عناصری است که مشارکت عمومی را می سازد:

1- فریضه الهی: مشارکت ملی در نزد مردم مسلمان ایران، یک فریضه الهی و یک واجب دینی به شمار می رود، لذا هرگاه از آنان بپرسند که مشارکت ملی ناشی از چیست؟ پاسخ می دهند، ناشی از ایمان و انگیزه الهی است. از این رو، مردمی که در یک نظام ولایی زندگی می کنند، اطاعت و پیروی از اوامر و فتاوی رهبری انقلاب اسلامی را یک فریضه می داند و تخلف از آن را مایه ضربه خوردن به منافع کشور و مردم و انقلاب تلقی می کنند. بنابراین، همواره در دوره پس از انقلاب اسلامی، به حرف امام امت و رهبر معظم گوش فرا داده و در همه صحنه های دفاع از انقلاب اسلامی حضور پیدا کرده اند. در صورتی که ملت ایران، شرکت در اجتماعات ملی را یک فریضه و یک عمل واجب بداند، دشمن و نیروهای تبلیغاتی مخالفان و گروهک های محارب نمی توانند کاری از پیش ببرند، دیگر نمی توانند بگویند که انتخابات با استقبال مواجه نشده، و نیز نمی توانند بگویند که بعد از امام انتخابات درستی انجام نگرفته است. دشمن همواره به مردم توصیه کرده که در انتخابات شرکت نکنند، ولی مردم علاوه بر انگیزه الهی خود، انگیزه مخالفت با آن ها را هم دارند، و لذا بیشتر شرکت می کنند، با آن که آن ها در رادیوها و روزنامه های شان ملتمسانه از مردم می خواهند که در انتخابات شرکت نکنند، اما مردم وظیفه شرعی و ملی خود می دانند که در انتخابات شرکت نمایند.

2- شعور سیاسی: شعور سیاسی پیوندی نزدیک، با شکل گیری مشارکت عمومی دارد، به میزانی که بدون شعور سیاسی

مشارکت عمومی پدید نمی آید، به این معنا که در پرتو شعور سیاسی بالای مردم است که آن ها در می یابند برای حیات سیاسی باید دور هم جمع شوند، محیط سیاسی را بدون تشنج نگه دارند و در تعیین سرنوشت خویش (انتخابات عمومی) شرکت نمایند. اصولاً نظامی که می خواهد به دست مردم کارهای بزرگ انجام بدهد، نظامی که می خواهد با قدرت بی پایان مردم با بهره گیری از مشارکت آنان به سرمنزل مقصود برسد، مگر این مردم می توانند بدون شعور سیاسی باشند. آن ها می دانند که اگر شعور سیاسی نباشد، عالم ترین عالم ها و دانشمندترین دانشمندی های یک ملت هم با یک آب نبات ترش دشمن به آن طرف مرزها می روند، مجذوب آن ها می شوند و در جهت هدف های آنان گام بر می دارند.

شعور سیاسی برآمده از انقلاب اسلامی تنها در عرصه مرزهای داخلی به مشارکت عمومی نمی انجامد، بلکه در ورای مرزهای ایران اسلامی نیز به هم پیوستگی و مشارکت مسلمانان را به دنبال آورد. به بیان دیگر، امام خمینی (ره) احساس شعور نسبت به امت اسلامی را ایجاد کرد که بزرگ ترین حربه برای دفاع از جوامع اسلامی در مقابل استکبار جهانی است. احساس شعور نسبت به امت اسلامی یعنی: «مسلمان ها در هر جای دنیا که بودند، چیزی به نام امت اسلامی برای شان مطرح نبود و یا اصلاً جدی تلقی نمی شد. امروز همه مسلمان ها در فضای آسیا تا قلب آفریقا و تمام خاورمیانه و در اروپا و در آمریکا احساس می کنند که جزو یک جامعه جهانی بزرگ به نام امت اسلامی هستند» و باید در سرنوشت خویش مشارکت جویند.

3- سیاست گذاری: تحقق مشارکت عمومی بدون سیاست گذاری مناسب، میسر نیست. از این رو، علی رغم تفکری که وجود داشت و آن مردم را تقریباً از میدان های گوناگون اجتماعی دور می کرد، امام از همان آغاز درباره مشارکت عمومی توصیه می کرد و حرف می زد، لیکن نکته اساسی که وجود داشت آن بود که دخالت و مشارکت مردم نباید به این منجر شود «که بعضی از قشرهای مردم با بعضی از افراد زرنگ در میان مردم، سودهای کلان و بادآورده ببرند، در حالی که عده دیگری از مردم از اولیات زندگی در بمانند، یعنی همان مسأله عدالت اجتماعی و رسیدگی به همه قشرها در بخش های مختلف، باید مورد توجه قرار بگیرد».

امروز هم در کشور، دختران و پسران رشید و جمعیت انبوهی هستند که حاضرند دست به دست هم داده و در همه میدان های فعال چه میدان درس و چه میدان سیاست و دیگر فعالیت های اجتماعی از قبیل فقرزدایی و سازندگی شرکت کنند مشروط به آن که برای شان برنامه ریزی شود و به آن ها امکانات داده شود که در عرصه های اجتماعی مشارکت نمایند. در واقع، این نسل شبیه همان نسلی است که توانست یکی از بزرگ ترین تجربه های این کشور یعنی تجربه جنگ تحمیلی را با قدرت و با موفقیت به پایان ببرد، ولی برای آن که جوانان در کنار هم قرار بگیرند و یک جنگ نابرابر را اداره نمایند، برنامه ریزی ها و سیاست گذاری های فراوانی صورت گرفت. انقلاب اسلامی بارها از این تجربه استفاده کرده، مانند جمع کردن جوانان این مملکت در سپاه و تأسیس آن بدون سیاست گذاری مقدور نبود.

مشارکت عمومی در سطح محدود هم سیاست گذاری را می طلبد. به عنوان مثال، مؤسسه کیهان یک مجموعه کامل فرهنگی است که می تواند در افزایش همبستگی ملی به کار آید و لذا باید از ظرفیت های وسیع آن به خوبی استفاده شود، برای نیل به این هدف، برنامه ریزی و سیاست گذاری جهت توسعه و رشد همه جانبه آن مؤسسه در ابعاد مختلف، با توجه به مخاطبین متنوعی که دارد، اجتناب ناپذیر است، و حتی از داخل و خارج برای ادامه مشارکت عمومی پدید آمده، باید سیاست و برنامه های مناسبی تدوین شود.

4- هوشیاری: آگاهی و هوشیاری جمعی از خطر ها و آسیب ها، به همبستگی عمومی می انجامد، پس هر چه هوشیاری جمعی در زمینه های مختلف گسترش یابد، همبستگی عمومی گستره و استحکام بیشتری می یابد. مثلاً اگر هوشیاری سیاسی به حدی برسد که اسم ها، جناح ها و حزب ها اهمیت نداشته باشد، مغز ها، دل ها و عمل ها اهمیت پیدا کند، و هر کسی که به اسلام، ارزش ها، امام، مصالح ملی و سرنوشت کشور علاقه بیشتری نشان دهد، عزیز تر شود، اگر چه متعلق به خطی، جماعتی و یا جریان سیاسی خاص باشد، همبستگی وسیع و مستحکمی شکل می گیرد.

هوشیاری امروز ایرانیان به برکت انقلاب اسلامی و امام خمینی (ره) پدید آمده است. در واقع ملت ایران به برکت همین هوشیاری، پشت سر مسئولان ایستاد و رابطه خود با آنان را برقرار و استحکام بخشید، و توانست از همه راه های دشوار و پیچ و خم های دشوار پس از انقلاب اسلامی به سلامت و عافیت بگذرد.

ج - نمونه ها و مثال ها

مشارکت عمومی نشانه ها و مثال هایی دارد. مثلاً: شرکت مردم در تظاهرات، حضور عمومی در انتخابات، بسیج همگانی در اجتماعات، دفاع و وحدت ملی از این جمله است:

1- تظاهرات: مشارکت عمومی را می توان در تظاهرات و راهپیمایی های میلیونی به وضوح دید. هم اینک و در هر سال در گردهمایی بزرگ در ایران برگزار می شود که یکی از آن ها روز قدس و دیگری راهپیمایی 22 بهمن است که بدون تردید نمایی از قدرت نظام اسلامی ایران است، به علاوه، دیگر تجمع های بزرگ دینی و مردمی هم متصل و مرتبط به قلب تپنده مبارزه عمومی و نشانه ای از حضور همگانی سیاسی اجتماعی است، زیرا، در هر جایی که یک تظاهرات اسلامی، انقلابی یا دینی به وقوع می پیوندد، وقتی مجلس دعایی برپا می شود، زمانی که مجمع اعتکاف اتفاق می افتد که همه این ها نشانه دین داری و علاقه مندی به اسلام و انقلاب است، منافق به خود می لرزد و ناراحت می شود و نیز، دشمن ناکام می گردد و از حرکت علیه انقلاب اسلامی باز می ماند، و بار دیگر می بیند که از این که فکر می کردند، اوضاع ایران به هم ریخته و ایران در حال سقوط است، غلط است.

تظاهرات و راهپیمایی ناشی از صفوف یکپارچه تن ها و دل هاست که در آن مردم و مسئولان، بالا و پایین شهری ها، فقرا و ثروتمندان، کارگران و کارمندان و همه و همه در کنار هم قرار می گیرند و شعار واحد سر می دهند. این حرکت های عمومی از ویژگی هایی چون صلابت، اتحاد، نشاط و قدرت برخوردار است، در عوض و به همان میزان زبونی، تفرقه و ناراحتی دشمن را در پی دارد.

2- انتخابات: برجسته ترین نمود مشارکت عمومی در همه سال های پس از انقلاب اسلامی، شرکت در انتخابات ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی بوده است.

در نظام اسلامی ایران، انتخابات نقطه پایان مشارکت عمومی نیست، بلکه نقطه آغاز آن است، زیرا، مثلاً، مجلس شورای اسلامی در نظام اسلامی، دارای نقش حقیقی در اداره و هدایت کشور است. این نقش، تأثیر عمیق و تعیین کننده ای در سرنوشت و مسیر و جهت گیری های اصلی کشور برجای می گذارد.

دلیل حضور پرشور مردم در همه انتخابات گذشته آن است که شرکت در آن را هم حق خود می دانند و هم تکلیف، زیرا:

مردم باید بیایند و با انتخاب صحیح و آزادانه، قانون گذاران شان را در قوه مقننه معین کنند، مجریان خودشان را با ترتیبی که در قانون معین شده است، معین کنند. این حق مردم است و متعلق به آن هاست، اما تکلیف هم هست. این طور نیست که یکی بگوید من نمی خواهم از این حقم استفاده کنم، نه، سرنوشت نظام بسته به احقاق و استنقاذ این حق است، این تکلیف است، باید همه شرکت کنند.

3- بسیج عمومی: بسیج نمونه برجسته و بارزی از مشارکت عمومی است. بسیج یعنی حضور در میدان هایی که نظام اسلامی، وظیفه انسانی، الهی و نیازهای کشور لازم می داند، و او را به سوی خود فرا می خواند، تحقق نیازها جز با مشارکت عموم مردم امکان پذیر نیست. از این رو است که باید گفت: هر بسیجی، فردی از احاد ملت است که در هر جایی که به حضور او نیاز باشد، حاضر است.

بسیج یعنی آمادگی مردم برای اقدام وسیع در برنامه ریزی کارهای بزرگ که برای پیشرفت کشور و بقای انقلاب و نظام لازم است.

بدون تردید، جلوه برجسته بسیج در جنگ و با شرکت گسترده مردم در آن بروز کرد.

در دفاع هشت ساله، بسیج و تحرک مردم را دیدید. در میدان کار و سازندگی و پیشرفت، روحیه جهادی را دیدید که البته مخصوص جهاد سازندگی هم نماند. این روحیه در بسیاری از دستگاه ها رسوخ کرد. امروز هم شما در کمک رسانی به بیم همین روحیه را مشاهده می کنید. این روحیه در همه جای دنیا نیست. مهربانی و همکاری و دلسوزی برای مصیبت دیدگان که مربوط به همه بشر است، یک حرف است، اما جوشش و تحرک و نشاط و ورود در میدان، بدون هیچ ترتیب آداب، برای خدمت کردن، یک حرف دیگر است. آنچه در ایران دیده شد، این بود که همه وارد میدان شدند و تحرک پیدا کردند. بنده در سال های قبل از انقلاب حوادثی مثل زلزله و سیل را از نزدیک دیده بودم. خود من رفتم امدادگری و خدمت گزاری کردم. این روحیه حرکت عمومی حرکت جهادی گرم است و جوشش جهادی در دل او وجود دارد، این همان روحیه بسیج دوران دفاع مقدس است.

4- وحدت کلمه: از جمله جاهایی که وحدت کلمه یا نقطه توافق عظیم ملی در ملت انقلابی و اسلامی ایران کاملاً مشهود است، راهپیمایی ها و اجتماعات مردمی است؛ آن جایی که شعارهای مشترک و آرزوهای عمومی مطرح می شود، مردم از همه قشرها در آن شرکت می کنند و هیچ احساس اختلافی با هم ندارند. وجود اختلاف سلیقه و عقیده در برخی از مسائل غیر اساسی که البته غیر منتظره نیست، هیچ گاه به صف آرایی جدی در مقابل هم منجر نشده است، و هم چنان، شعارها یکسان و خواسته ها واحد است. پس در میان مردم و مسئولان همواره وحدت کلمه در گفتار و رفتار وجود داشته و این وحدت و مصداق های آن، تصویر گویایی از مشارکت عمومی را به نمایش می گذارد.

وجود اختلاف ها در جناح های سیاسی هم هیچ گاه چندان بزرگ و عظیم نبوده، ولی همین اختلاف های جزئی گاه به فراموش شدن دشمن انجامید و احياناً بعضی در خلال دعوای خانوادگی و داخلی، به دشمن چشمکی زده اند و به طور آشکار یا پنهان به دشمن اظهار محبتی کرده اند، ولی ملت و نظام آنان را همواره به وحدت و همراهی واداشته و لذا این اقدام های جناحی خطر مهمی برای نظام نداشته است. در واقع، این اقدام ها تا زمانی که ملت هوشیار است و تا زمانی که مسئولان بخش های مختلف مشغول تلاش و کارند، اهمیتی ندارد و خللی به وحدت کلمه مردم وارد نمی سازد، به شرطی که مانع کارها و مانع سازندگی کشور نشود. آنچه مهم است و باید از آن دوری کرد، اختلاف در موضع گیری و نشان دادن چهره های متناقض و متضاد به یکدیگر آن هم در مقابل چشم دشمن است، چون دشمن را به این نتیجه می رساند که زمان برای دخالت در امور داخلی ایران مناسب و زمینه برای نتیجه گیری از دخالتش در امور داخلی فراهم است.

وحدت کلمه تنها نشانه ای از مشارکت ملی نیست، بلکه مصداقی در امر مشارکت عمومی ایرانیان و مسلمانان است.

د - نتایج مشارکت عمومی

عرصه پیامدهای مشارکت عمومی آن چنان گسترده است که برشمردن آن نیز به زمان وسیع تر و مجال بیشتر نیازمند است، با این وصف، به تعدادی از آن اشاره می کنیم:

1- دفاع: اگر دشمن تا به امروز، در وارد کردن ضربه کاری به انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی و نظام اسلامی در ایران ناکام مانده به آن علت بوده که همواره وحدت اجتماعی، انسجام عمومی و مشارکت ملی در بین آن ها در دفاع از ارزش های دینی و ملی بر پا بوده است. البته آن ها هنوز در انتظارند که مشارکت مردم بشکند، حضور اجتماعی مردم کم شود، استقبال عمومی از سیاست های دولت کاهش یابد تا فرصت حمله به ایران را بیابند.

مشارکت عمومی در عرصه فراملی و حتی در گستره کشورهای اسلامی هم، به دفاع از ارزش ها، ثروت ها و هویت های اسلامی می انجامد. به بیان دیگر، امت اسلامی به جرم این که در یک نقطه ثروتمند دنیا قرار گرفته و گردش چرخه تمدنی کنونی دنیا متوقف بر امکانات زیرزمینی آن است، مورد طمع و دست اندازی قدرت ها قرار گرفته، و در این راه از هیچ گونه جنایتی روی گردان نیست. این وضع، امت اسلامی است: آیا امت اسلامی در مقابل این دست اندازی قدرتمندانه نمی تواند از خود دفاع کند؟ جواب این است که چرا، ما می توانیم دفاع کنیم، ما ابزارهای زیادی را برای دفاع از حق و موجودیت خود در اختیار داریم، مثلاً جمعیت بزرگی هستیم و... اما چرا دفاع نمی کنیم، چرا عملاً در میدان، کاری از ما بر نمی آید؟ چون با هم متحد و یکی نیستیم، چون به بهانه های گوناگون ما را از هم جدا کرده اند.

ملت ایران نشان داده که با حضور در صحنه، هم در صحنه داخلی موفق به دفاع از آرمان های خود شده و هم در عرصه بین المللی. در صحنه داخلی تأثیر حضور مردم در میدان های اجتماعی را می توان در پشت گرمی و پشتکاری جوانان کشور در دسترسی به غنی سازی مواد هسته ای و تکثیر سلول های بنیادی دید. تأثیر حضور مردم در زنده نگاه داشتن حق مردم فلسطین هم کاملاً واضح و روشن است. به ویژه در روز قدس، ملت ایران با حضور آگاهانه خود به همه نشان می دهند که فلسطین هم چنان در صدر مسائل دنیای اسلام است، و لذا نمی توان آن را به راحتی فدای خواسته های شخصی سران کشورهای عربی کرد.

2- سازندگی: تأثیر حضور مردمی در امر سازندگی هم مشهود است به گونه ای که اگر مسئولان کشور تصمیم اقتصادی می گیرند، اگر شجاعتی در عرصه سازندگی به خرج می دهند و اگر اقدام راسخی در صحنه تولید انجام می دهند، به پشتیبانی این ملت است، و نیز، وقتی مردم در وسط میدان باشند و در معادله قدرت شریک و سهیم شوند، دیگر کسی از مسئولان نمی تواند در مقابل قدرت های خارجی و یا نسبت به کاری که به او واگذار کرده اند، ضعف نشان دهد، چون ملت از مسئولان مطالبه می کند. به علاوه زمانی که مردم حاضر در صحنه، حاضرند در راه هدف های عالی کشورشان مال بدهند، از جان مایه بگذارند و در امر سازندگی مشارکت نمایند، از مسئولان هم انتظار این چنین دارند. به بیان دیگر،

هنگامی که مردم بسیج سازندگی راه می اندازند، و با حضورشان، خود را وقف سازندگی کشور می کنند، دستگاه های مسئول کشور از حمایت و پشتیبانی مردم برای امر سازندگی عمومی تر و زیر بنایی تر برخوردار می شوند.

مقام معظم رهبری در این باره فرموده اند.

مگر تصور می شد که کوچک و بزرگ ملتی تنها، بدون هیچ پشتوانه جهانی و بدون هیچ کمک قابل ذکر از سوی هیچ گوشه ای از قدرت های عالم بتواند این گونه در میدان جهاد مقدس و دفاع از خود و سازندگی و استقلال و مبارزه با همه نوع فشارهای دشمنان قلدر ایستادگی کند و روز به روز دشمنان را متعجب تر نماید؟ مگر ممکن بود که بدون این گذشت ها و این ایثارها و این فداکاری ها، ما به این جا برسیم؟!

بنابراین، هر پیشرفتی که نظام جمهوری اسلامی در زمینه های سازندگی داشته به خاطر یکپارچگی مردم بوده است.

3- جهاد: هر ملتی که در دنیا به جایی رسیده، به خاطر عزم و اراده و ایستادگی و سینه سپر کردن و سر را بالا نگه داشتن بوده. بعضی از ملت ها این توان را ندارند، اما آن ملتی که به اسلام، قرآن، وعده خدا: «هر که خدا را و دین خدا را یاری کند، خدا با تأکید، او را یاری خواهد کرد»، معتقد است، این توانایی را دارد.

ملت ایران این توان را پیدا کرد، لذا آنچه در ایران دیده شد، این بود که همه وارد میدان شدند و تحرک پیدا کردند:

این روحیه حرکت عمومی، این دلسوزی، این ورود در صحنه کار و ابتکار، این کمک رسانی انبوه، مخصوص ملتی است که دل او از حرکت جهادی گرم است و جوشش جهادی در دل او وجود دارد، این همان روحیه بسیج دوران دفاع مقدس است. این همان روحیه سنگرسازان بی سنگر جهاد سازندگی است که غسل شهادت می کردند، روی بولدوزر می نشستند تا خاکریز بزنند.

مسئولان نظام به پشتوانه و امداد مردم، به کمک این افکار عمومی و این علقه و ارتباطی که بین مردم و مسئولان وجود دارد، می توانند کارهای بزرگ انجام بدهند، یعنی هر جایی که جرأت همراه با ایمان بود، پیشرفت اتفاق می افتد. نهادهای انقلابی هم این طور بوده اند. نهادهای انقلابی به خاطر اتکاء به نفس، جرأت در اقدام، توکل به خدا، پشت گرمی حضور سیاسی اجتماعی مردم، در هر کجا وارد شده اند، توانسته اند کار خوب انجام دهند، مثل نیروی انتظامی که در میدان دفاع مقدس، آن همه ابتکار به خرج دادند، چه سپاه پاسداران، چه ارتش و چه بسیج عمومی که کارهای معجزه آسایی را به انجام رساندند.

4- حفظ آرمان ها: از دیگر نتایج مهم مشارکت عمومی، حفظ آرمان های اسلامی است. در پناه مشارکت عمومی است که می توان آرمان های اسلامی را در دنیا مطرح کرد، و دل انسان ها را جذب نمود، و بر مبنای آن در زندگی مسلمان ها تغییری به وجود آورد.

این آرمان ها نباید مورد تهدید قرار گیرد، چون رمز قدرت ماست. دشمن می خواهد عناصر اقتدار را از درون کشور بگیرد، ملت را بی دفاع کند، ایمان و آگاهی را بگیرد، مراکز اساسی نظام جمهوری اسلامی را بی اثر و خنثی کند، تا اگر یک وقت خواست به این ملت تعرض کند، این ملت نتواند از خود دفاع کند، به عکس ما باید بر ارزش ها و آرمان های خود پافشاری کنیم، و این تنها از طریق مشارکت همه مردم ممکن است.

یکی از این آرمان ها و ارزش های ملت ایران، دفاع مقدس است. رزمندگان وقتی به جبهه می رفتند، این ملت با شور و شوق و شعار، آن ها را بدرقه کرد، وقتی برخی از آن ها اسیر شدند، و یا آنان را زنده نگاه داشت، و وقتی برگشتند، باز با همان شور و شوق و شعار از آن ها استقبال کرد. این تنها از ملتی بر می آید که حاضر است، شاهد است و از هیچ قدرتی به جز خدا نمی ترسد. و از دیگر آرمان ها و ارزش ها، استقامت در مقابل دشمن است، مواضع ما در مقابل دشمن، مواضع ثابتی بوده، ما مثل کشورها و دولت های دیگر مواضع متغیر نداریم، مثلاً ما همواره تجاوز را محکوم کرده ایم، چه این تجاوز از سوی صدام باشد یا آمریکا. معلوم است نظام جمهوری اسلامی این مواضع ثابت را به اتکای حضور مردم دارد و با اتکای به مردم است که می تواند چنین سخن بگوید.

نتیجه

نام گذاری سال 1384 به سال همبستگی ملی و مشارکت عمومی، اشاره به نیاز بزرگ ملت در همه مسائل بود. برای آن که ملت ایران رشد و پیشرفت لازم را در همه صحنه ها به دست بیاورد، احتیاج به تقویت همبستگی ملی و مشارکت عمومی در همه میدان های طلب کننده حضور ملت دارد. به بیان دیگر، تنها با همکاری، همدلی، بازو به بازو دادن و دل ها را به یکدیگر مرتبط کردن است که می توان به پیشرفت رسید. این نام گذاری ها به ملت و دولت نشان می دهد که چه می خواهد و دنبال چه باید باشد. از این رو، سال «رفتار علوی»، هدف والای ملت ایران و تکلیف بزرگ دولت را مشخص می کرد. سال «خدمت رسانی» یا سال «پاسخ گویی»، همه خطوطی که مردم و مسئولان باید دنبال می کردند را نشان می داد. اگر نهضت عدالت خواهی، آزاداندیشی، جنبش نرم افزاری و تولید علم مطرح می شود، برای این است که همه کارگزاران و همه عامه مردم احساس کنند در این جهت مسئولیت دارند. البته می دانیم که بسیاری از این شعارها به طور کامل تحقق پیدا نکرده و نمی کند، لیکن کارهای زیادی صورت می گیرد، لذا هر سال باید با تجربه های سال های پیش،

هم ملت و هم دولت راه خود را به سمت هدف های والا طی کنند، و گام ها را محکم تر و استوارتر از قبل بردارند، تا مردم به هدف های والای خود دسترسی پیدا کنند، و به جای روی آوردن به یأس و نومیدی، آفاق روشن امید را در مقابل چشم نسل جوان بگشاید و به جای بدبینی، روح برادری در میان همگان توسعه پیدا نماید، وقتی امید ایجاد شود، مشکلات گوناگون از سر راه برداشته می شود.

یکی از این مشکلات، دشمنی های دشمن است. همبستگی ملی می تواند در مقابل توطئه های دشمن به کشور مصونیت ببخشد، در واقع دشمن از دودستگی ها و فتنه گری ها و جنگ افروزی های داخل کشور استفاده می کند، وقتی یک ملت یکپارچه و یکدست باشند، مسئولان کشور همه با یکدیگر همدل و همراه باشند، شمشیر دشمن کند می شود، و جرأت نمی کند به چنین کشور و ملتی نظر بیندازد و با او به چشم توطئه نگاه کند.